

بر اساس قراردادهای منعقد شده متضمن انتقال فناوری و صادرات بیش از ۵۰ درصد تولیدات است، استوار است. (نمودار شماره ۲) اگر چه بدین عامل، افزایش مصرف خصوصی در اثر افزایش سطح درآمدها را نیز باید افزود. ولی زیربنای فکری - فلسفی کادر رهبری و مدیران چینی در جهت برتری جویی اقتصادی - سیاسی و نظامی در سطح جهان، اساس سیاستهای فوق را تشکیل می دهد. زیرا که بدون چنین زیربنای فکری - فلسفی امکان فراهم آمدن چنین شرایطی ظرف تنها یک ربع قرن، به قیمت انقلاب اسلامی، برای نظام اقتصادی چین به عنوان کارخانه جهان وجود نداشت.

رونق مصرف داخلی (MY CAR, MY HOME, MY MOBILE) از جمله محرکه های رشد چین محسوب می گردد. برای مثال در سال ۲۰۰۳ بیش از ۴ میلیون دستگاه اتومبیل به فروش رسیده است.

تردیدی نیست که در شرایط عادی و با نرخ رشد سریع و ممتد انتظار گسترش ابعاد اقتصادی این کشور پیش بینی می گردد. تولید ناخالص داخلی چین که در سال ۲۰۰۰ بالغ بر هزار میلیارد بود (ششمین اقتصاد جهان)، پیش بینی می گردد که تا سال ۲۰۰۶ بالغ بر یک هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار گردد که در این صورت انگلیس و فرانسه را از این نظر پشت سر گذاشته و به رتبه چهارم در جهان تبدیل خواهد گردید. پیش بینی های خوش بینانه دیگر حاکی از آن است که تا سال ۲۰۱۰ آلمان، و تا سال ۲۰۲۰ ژاپن و تا سال ۲۰۵۰ آمریکا را نیز پشت سر خواهد گذاشت.^(۱)

به خاطر تهاجمات صادراتی چین است که از سال ۲۰۰۳ بحث و گفتگو بر سر افزایش ارزش یوان (ترمز صادراتی) مذاکراتی بین کشورهای آمریکا، ژاپن و اروپا به عنوان خط دفاعی اقتصادی این دسته از کشورها آغاز گردیده است که همچنان ادامه دارد و چین به سادگی حاضر به افزایش ارزش یوان نیست. بویژه که احتمال افزایش مجدد نرخ بهره در آمریکا در ماه اوت، چین را احیاناً به مقابله به مثل خواهد داد. و در این صورت چین به منظور جلوگیری از تاثیر سیاستهای انقباضی افراطی، افزایش ارزش یوان را به تعویق خواهد انداخت. از طرفی، افزایش کسری تجاری

چین در مسیر رشد سریع



دکتر محمد نقی زاده

انداخت.^(۲) اگر اتفاقی در رابطه با تایوان و یا بحران پولی و به هم ریختن سیستم بانکی این کشور، افزایش بیش از پیش قیمت انرژی و یا ناملایمات های اجتماعی ناشی از اختلافات شدید درآمدی به وجود نیاید امکان ادامه چنین رشدی تا المپیک پکن در سال ۲۰۰۸ دور از انتظار نیست. ولی اکثر محققان در هم ریختگی و آشفتگی های فراوانی را برای اقتصاد چین پس از پایان المپیک که اوج حبابی شدن اقتصاد این کشور است (سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰) پیش بینی کرده اند، که در وهله اول درگرو انسجام نظام بانکی و سیاستهای پولی این کشور است.

شاخص قیمت کالاهای مصرفی و عوامل تولید ظرف ۱۲ ماه سال ۲۰۰۳ پیوسته در حال افزایش بود. لذا رکود قیمتها که از سال ۱۹۹۸ ادامه داشت به پایان رسیده است. لکوموتیو توسعه و رشد اقتصادی فعلی چین بر روند افزایشی نرخ سرمایه گذاری های ثابت، پایین نگاهداشتن ارزش یوان در مقابل دلار، عرضه نیروی کار نامحدود با مزد ارزان، توسعه صادرات مبتنی بر سرمایه گذاری های مستقیم خارجی؛ که

اقتصاد چین که در سال ۲۰۰۱ علی رغم رشد با رکود سطح قیمتها مواجه بود اکنون به مرحله جدیدی از رشد و افزایش سطح قیمتها پا گذاشته است. با پایان دوران تعدیل پنج ساله پس از بحران پولی - اقتصادی شرق آسیا، چینی ها به قول خودشان دوران رشد کم (۷ درصد) را پشت سر گذاشته و مجدداً به دوران رشد سریع (۹/۶ درصد) وارد شده و برتری خود را از این نظر، بر دیگر کشورهای آسیایی حفظ کرده اند. (نمودار شماره ۱)

رشد اقتصاد این کشور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۸ درصد گردید که در سال ۲۰۰۳ به رشد ۹/۱ درصد افزایش یافت. رشد تولید ناخالص سه ماه اول سال ۲۰۰۴ نیز حاکی از پیش بینی رشدی معادل ۹/۷ درصد و رشد سه ماه دوم (آوریل / ژوئن) در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حاکی از رشدی معادل ۹/۶ درصد برای سال ۲۰۰۴ است. جالب توجه است که مقامات آماری چین در تاریخ ۱۶ ماه ژوئیه ۲۰۰۴ به طور بی سابقه ای مبادرت به تصحیح آمار سه ماه دوم سال ۲۰۰۳ (از ۶/۷ درصد به ۷/۹ درصد) کرده اند تا از نگرانی افکار عمومی جهان از روند دو آتشه اقتصاد چین بکاهند. اقدامی که محافل اقتصادی جهان را به شگفتی

مقامات چین را از توسل به افزایش ارزش یوان بر حذر خواهد داشت.

با افزایش نرخ رشد مستمر و سطح درآمد‌های سرانه، اکنون چین با شوک مصرف و تقاضای داخلی مواجه گردیده است که تأثیرات مهمی بر اقتصاد این کشور و جهان خواهد گذارد. برای مثال قیمت سویا را که روزی چین از صادرکنندگان آن محسوب می‌گردید به علت واردات چین به دو برابر افزایش پیدا کرده است و بخشی از افزایش قیمت نفت خام و یا فولاد نیز ناشی از تقاضای فزاینده این کشور است.

مصرف فرآورده‌های نفتی در چین به علت افزایش تقاضای سوخت نیروگاه‌های برق و بنزین اتومبیل اکنون (۲۰۰۳ سال) به ۵ میلیون و پانصد هزار بشکه (به انضمام گاز مایع) در روز رسیده است و از مصرف روزانه ژاپن پیشی گرفته است و پیش بینی می‌شود که سالیانه بالغ بر ۱۰ درصد بر تقاضای آن افزوده گردد. در حال حاضر گروه شرکت‌های نفتی چین دارای ۲۵ پالایشگاه با ظرفیت ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز هستند که به زودی ظرفیت پالایشگاهها با ۸۰۰ هزار بشکه افزایش خواهد یافت. با همه این احوال عدم تکافوی ظرفیت پالایشی چین ظرف ۳ الی ۴ سال آینده باعث گردیده است که شرکت پترولیوم چین با شرکت نفت نیهون برای پالایش نفت خام قرارداد ببندد. این قرارداد براین اساس استوار است که شرکت چینی نفت خام را در اختیار شرکت ژاپنی گذارده تا در تاسیسات شرکت ژاپنی پالایش و پس از تبدیل به بنزین و گازوئیل کلاً تحویل شرکت چینی گردد. این قرارداد از ماه مارس ۲۰۰۵ به مدت ۹ ماه روزانه ۲۰ هزار بشکه در نظر گرفته شده است که امکان تمدید آن زیاد است. جالب توجه است که شرکت چینی نفت خام مورد نیاز خود را از ایران تامین، به ژاپن حمل و پس از پالایش در پالایشگاه شرکت ژاپنی در یوکوهاما و اوکایاما به چین حمل می‌کند.^(۳)

در شرایط حاضر میزان مصرف کالاهایی چون فولاد، ماشین آلات صنعتی، تلفن همراه و یا وسایل برقی خانگی نظیر ویدئو در چین بر میزان مصرف داخلی این دسته از کالاها، بازار داخلی آمریکا و ژاپن را پشت سر گذارده و رتبه اول در جهان را کسب کرده است. که البته

مصرف آن بر مبنای تولید داخلی استوار بوده و نظیر ایران حاصل واردات (رسمی و قاچاق) این دسته از کالاها توسط سرمایه داری سوداگر نیست. لذا با توجه به افزایش تولید داخلی و افزایش سطح درآمد‌ها به نظر می‌رسد که روند مصرف داخلی این کشور در سالهای آتی نیز ادامه داشته باشد.

به منظور تامین عوامل تولید از نظر واردات نیز بازار چین بیش از پیش گسترش یافته است. براساس آمار سازمان تجارت جهانی که در پنجم آوریل ۲۰۰۴ اعلام گردید، جمع واردات این کشور که در سال ۲۰۰۲-۲۹۵ میلیارد بود، در سال ۲۰۰۳ از مرز ۴۰۰ میلیارد دلار گذشت و به یکباره ژاپن، فرانسه و انگلیس را پشت سر گذاشت و پس از آمریکا و آلمان به مرتبه سوم رسید. پیش بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۶ آلمان را هم پشت سر بگذارد و به مرتبه دوم دست یابد. براساس همان گزارش، حجم تجارت خارجی چین (صادرات و واردات) به سطح ژاپن رسیده است. (جدول شماره ۱)

پیش بینی می‌گردد که در صورت ادامه چنین روندی از نظر صادرات نیز، چین در سال ۲۰۰۴ ژاپن را پشت سر بگذارد. ولی باید بدین نکته توجه داشت که بیش از نیمی از صادرات چین مدیون بنگاهها و با سرمایه‌های مستقیم خارجی است، که با ژاپن که عمدتاً مبتنی بر سرمایه‌های ملی است تفاوت اساسی دارد. لذا تحولات سیاسی می‌تواند گاه بر این دسته از سرمایه‌ها تأثیرات منفی بگذارد.

همانطور که اشاره گردید علت اساسی رشد اقتصادی چین رشد صادرات کالایی است که علاوه بر تمایلات میهنی ناشی از سیاستهای اقتصاد تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است. عمده ترین شرکتهای معظم تولیدی جهان در چین سرمایه‌گذاری مستقیم کرده‌اند. از ژاپن به تنهایی بیش از ۳۰۰۰ شرکت از تویوتا و نیسان و سونی، ماتسوشیتا، فوجیتسو، NEC، کیوسرا و غیره گرفته تا شرکتهای کوچک تولیدکننده قطعات در آن کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند که تمام آنها

جدول شماره ۱ - عمده ترین کشورهای صادرکننده و واردکننده جهان در سال ۲۰۰۳

کشورهای صادرکننده	مبلغ به ۱۰۰ میلیون دلار
۱ - آلمان (۲)	۷/۴۸۴
۲ - آمریکا (۱)	۷/۲۴۰
۳ - ژاپن (۳)	۴/۷۱۹
۴ - چین (۵)	۴/۳۸۴
۵ - فرانسه (۴)	۳/۸۴۷
۶ - انگلیس (۶)	۳/۰۳۹
کشورهای واردکننده	
۱ - آمریکا (۱)	۱۳/۰۵۶
۲ - آلمان (۲)	۶/۰۱۷
۳ - چین (۶)	۴/۱۲۸
۴ - فرانسه (۵)	۳/۸۸۴
۵ - انگلیس (۳)	۳/۸۸۳
۶ - ژاپن (۴)	۳/۸۳۰

اعداد داخل پرانتز ترتیب سال ۲۰۰۲ را نشان می‌دهد

نفت خام بر خوردارند قرار دارد.

چین از ژانویه سال ۱۹۹۷ به مدت ۷۲ ماه پی در پی از مازاد تجاری برخوردار بود ولی در ماه ژانویه و مارس سال ۲۰۰۳ با کسری مواجه گردید. ولی در نهایت در سال ۲۰۰۳ به طور کلی از مازادی معادل ۲۵ میلیارد دلار برخوردار گردید.

سه چرخه اقتصاد حبابی، وخامت تسهیلات سوخته بانکی

لذا با توجه به توضیحات فوق و پس از عبور از دوره رکود قیمتها و آغاز جهشی نو برای توسعه اقتصادی، اقتصاد چین مواجه با آثار اقتصاد حبابی فراوانی گردیده است. سه چرخه اقتصاد حبابی چین عمدتاً در سرمایه گذاری های ثابت (مستغلات و تاسیسات تولیدی مازاد)، میزان تسهیلات بانکی و عرضه پول و پولهای داغ است (به نکته آخر بعداً اشاره خواهد گردید) مشاهده می گردد.

آمار نشان می دهد که سرمایه گذاری های ثابت در ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۳ هزار و ۴۳۰ میلیارد یوان گشته است که نسبت به دوره مشابه سال قبل بیش از ۳۰/۵ درصد رشد نشان می دهد. چنین رشدی پس از سال ۱۹۹۳ سابقه ندارد. در این میان رشد سرمایه گذاری های مستغلاتی بالغ بر ۳۴ درصد می گردد که در بعضی ایالات از رشد ۵۰ درصد و گاه ۷۰ درصد نیز برخوردار است. لذا ظرف دو سال گذشته قیمت مستغلات بیش از ۲۰ الی ۳۰ درصد افزایش یافته است. سرمایه گذاری در تاسیسات تولیدی نیز به شدت افزایش یافته است. برای مثال در صنعت ذغال سنگ بیش از ۵۲ درصد، ماشین آلات ۷۴ درصد، فولاد ۱۵ درصد و نساجی ۶۲ درصد که همگی حاکی از روندی دو آتش در اقتصاد این کشور است.

گسترش فزاینده سرمایه گذاری ها را تسهیلات بانکی امکان پذیر و تسریع کرده است. در فاصله بین ژانویه الی سپتامبر سال ۲۰۰۳ تسهیلات جدیدی به مبلغ ۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد یوان در اختیار متقاضیان گذاشته شده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل بیش از ۹۳ درصد افزایش نشان می دهد. بدین ترتیب تسهیلات ۹ ماهه سال ۲۰۰۳ به مراتب بیش از تسهیلات تمام سال ۲۰۰۲ (هزار و ۹۰۰ میلیارد

افزایش و درپیش بودن المپیک ۲۰۰۸ باعث هجوم به تاسیسات ساختمانی گردیده که نتیجتاً به افزایش واردات فولاد و سییمان و دیگر مصالح ساختمانی نیز منجر گشته است.

افزایش واردات چین باعث ادامه کسری تجاری این کشور در سه ماه اول سال ۲۰۰۴ گردیده است. آمار گمرکی چین برای این مدت حاکی از آن است که تجارت خارجی این کشور در سه ماه پیش گفته مواجه با ۸ میلیارد دلار کسری گشته است. کسری ماه مارس ۲۰۰۴ نیز به تنهایی بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار می گردد. چنین کسری سه ماهه پی در پی طی ده سال گذشته (فوریه، مارس و آوریل ۱۹۹۴) سابقه نداشته است. (نیپون کیزای ۲۰۰۴/۱۲/۱۴) در فاصله سه ماهه یادشده صادرات از رشدی معادل ۳۴ درصد در مقایسه با دوره مشابه سال قبل برخوردار و به مبلغ ۱۱۶ میلیارد دلار و واردات از رشدی معادل ۴۲/۳ درصد در مقایسه با دوره مشابه سال قبل برخوردار و به مبلغ ۱۲۴ میلیارد دلار رسیده است. عمده ترین اقلام مربوط به واردات را انرژی و مواد خام برای فعالیتهای تولیدی و صادرات و تنها بخش ناچیزی شامل کالاهای مصرفی نهایی و لوکس است. ۵۸ درصد صادرات و ۵۵ درصد واردات به سرمایه گذاری های مستقیم خارجی تعلق دارد. که بدین طریق وابستگی چین به این دسته از سرمایه گذاری های بیش از پیش آشکار می گردد. با این توضیح که در میان سرمایه های خارجی سرمایه های مربوط به چینی های مقیم خارج از کشور نظیر تایوان، سنگاپور، مالزی و حتی آمریکا نیز حضور دارند. لذا می توان گفت که دولت چین از بابت دعوت سرمایه های چینی های خارج از کشور به خاطر طرفداری از تمایلات میهنی برخلاف ایران موفق بوده است. به طوری که حتی قادر به دعوت سرمایه های تایوانی علی رغم بعضی مخاصمات و رودر رویهای سیاسی با آن گردیده است.

در فاصله سه ماهه یادشده، صادرات ماشین آلات، وسایل الکتریکی و الکترونیک از ۶۷/۸ درصد رشد برخوردار و بالغ بر ۶۴ میلیارد دلار گردیده است. که حاکی از توسعه بیش از پیش صنایع صادراتی چین به کمک این دسته از سرمایه های خارجی است. در اقلام مربوط به واردات مواد خام و کالاهایی که از ضریب پالایش و ارزش افزوده بسیار کمی نظیر

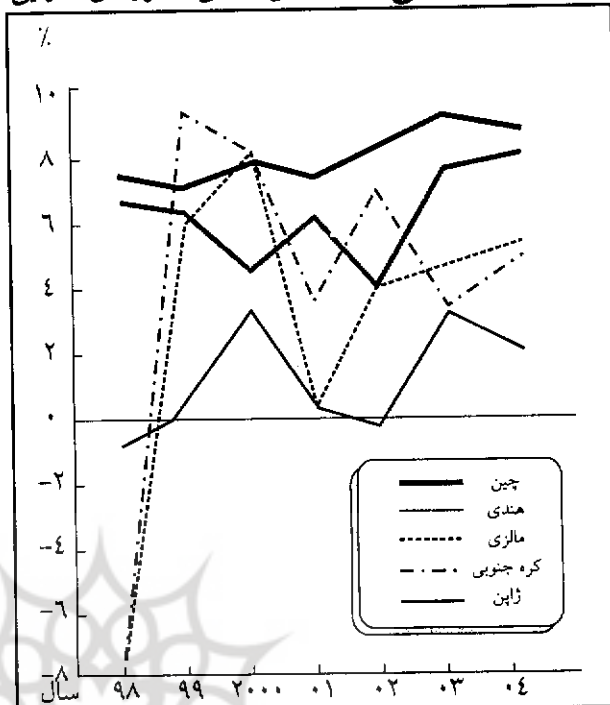
بر اساس سرمایه گذاری های مشترک انجام گرفته است تا به انتقال و ارتقای فناوری و فن مدیریت، ایجاد فرصتهای اشتغالی و در نتیجه افزایش درآمد ملی منجر گردد. انگیزه برتری جویی و مشارکت سرمایه های خارجی عمده عامل پیشرفت چین در صنایع مدرن محسوب می گردد. لذا از روشهای عقب مانده پیمانکاری قرن نوزدهمی و قاچاری که در ایران مرسوم است و به انحطاط ساختار صنعتی و وابستگی بیشتر به نفت می انجامد، خبری نیست. بر اساس قراردادهای منعقد شده تمام سرمایه گذاری های مشترک در مناطق تجارت آزاد و یا مناطق ویژه ناچارند آخرین تجهیزات تولیدی را نصب و نیمی از تولیدات خود را صادر کنند. لذا شباهتی با ایران ندارد که به خاطر سلطه تفکرات سوداگری و عدم تمایل به منافع بلندمدت اقتصاد ملی فناوری قدیمی دارد و مناطق آزاد تجاری به عوض صادرات به دریچه واردات تبدیل می گردد.

در چنین شرایط فکری - فلسفی است که حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در چین به حد آمریکا رسیده است. تولید DVD، رایانه، و تلفن همراه به رتبه اول جهان رسیده که با خرید قطعات، عمدتاً از ژاپن و تایوان به ساخت کالای نهایی مبادرت و سپس آن را صادر می کند.

درآمد قابل مصرف طبقه پولدار چینی نیز در سال ۲۰۰۳ بیش از ۹ درصد افزایش یافته و همین امر به واردات بعضی کالای لوکس خارجی کمک کرده است. اگرچه مردهای کارگران روستایی که به مدت محدود سه ساله روانه شهرها می شوند ظرف ۲۰ ساله گذشته رشدی نداشته و همین امر به گسترش اختلافات درآمدی از یک سو و افزایش قدرت رقابتی محصولات چینی از سوی دیگر تبدیل گردیده است.

از این رو، چین خود را از شیوه مدیریت اقتصاد واپس گرا و انحطاطی صادرات نفت خام رها کرده و به واردات نفت خام و تولید انواع فرآورده های نفتی و پتروشیمی روی آورده است. و علت نزدیکی آن با کشورهای اطراف خلیج فارس از جمله ایران علاوه بر گسترش بازار برای محصولات و خدمات چینی، تامین منبع انرژی نفت و گاز است. ولی در اثر افزایش قیمت نفت خام هزینه واردات آن

نمودار شماره ۱- نرخ رشد واقعی بعضی کشورهای آسیایی



منبع: بانک توسعه آسیایی و پیش‌بینی (OECD)

چین دوران رشد کم (۷ درصد) را پشت سر گذاشته و اکنون به دوران رشد سریع (۹/۶ درصد) گام گذاشته و برتری خود را از این نظر بر دیگر کشورهای آسیایی حفظ کرده است.

اکثر محققان آشننگی های فراوانی را برای اقتصاد چین پس از پایان بازیهای المپیک سال ۲۰۰۸ پیش بینی می کنند.

بودند به کرات متوسل به پولهای عمومی گردیده بود، ولی درمورد شرکتهای تولیدی اولین بار است که به چنین اقدامی متوسل می گردد.

وامهای سوخته کلان از دلایل عمده و خدمات مدیریت و اوضاع شرکتهای دولتی چین محسوب می شود. براساس آمار بانک مرکزی چین در مقطع پایان سال ۲۰۰۲ میزان وامهای سوخته به ۲۴/۱ درصد میزان کل تسهیلات رسیده است که از خط احتیاط بین المللی که ۱۰ درصد، و مقررات خاص چین که ۱۵ درصد است تجاوز کرده است. مجموع وامهای سوخته چین بالغ بر ۳ هزار میلیارد یوان برآورد (۴۵ معادل هزار میلیارد یون) گردیده است که معادل ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور محسوب می شود.

تولید ناخالص چین که کمتر از یک سوم ژاپن است با بیش از ۱/۳ برابر وامهای سوخته ژاپن (۳۵ ژاپن هزار میلیارد یون) مواجه است. سهم وامهای سوخته در کل تسهیلات بانکی چین ۳/۲ برابر ژاپن (ژاپن ۷/۵ درصد)، و سهم آن در تولید ناخالص داخلی ۴ برابر ژاپن (ژاپن ۷ درصد) است که به شدت اقتصاد چین را علی رغم رشد مداوم تهدید می کند.

چین را با بحران جدی مواجه خواهد ساخت. بررسی ساختار افزایش تسهیلات حاکی از آن است که این تسهیلات عمدتاً در اختیار شرکتهای معظم و پروژه های عمومی تمرکز پیدا کرده است. افزایش تسهیلات به چنین موسساتی به خودی خود دارای اشکال نیست، بلکه مسئله درمورد چین از آنجا ناشی می گردد که عمده شرکتهای دریافت کننده تسهیلات، شرکتهای دولتی هستند که با وضع فعلی مدیریت شرکتهای مزبور که مبتنی بر روابط خصوصی و فساد گسترده مالی است، تردیدی نیست که این تسهیلات منجر به وامهای سوخته کلانی می گردد و یا خواهند گردید. دولت ناچار به فروش آنها به سرمایه های خارجی و یا تزریق مبالغ کلانی از پولهای عمومی برای نجات این دسته از موسسات است. برای مثال، بزرگترین شرکت دارویی چین (SANJIU) که با کمبود نقدینگی مواجه گردیده است قرار بود که به سرمایه های خارجی (اندونزی) فروخته شود، ولی دولت چین مانع گردید، و در عوض با تزریق ۵ میلیارد یوان (حدود ۶۰۰ میلیون دلار) از پولهای عمومی به کمک این شرکت شتافت. البته تا به حال دولت چین در نجات موسسات بانکی که مواجه با خطر ورشکستگی

یوان) است.

افزایش سرمایه گذاری و تسهیلات، ناگزیر به افزایش عرضه پول منجر گردیده است. در فاصله ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل بیش از ۲۰/۷ درصد رشد نشان می دهد، که این امر به افزایش فشارهای تورمی منجر خواهد گردید.

با توجه به چنین روندی در زمینه مازاد تاسیسات تولیدی و فروپاشی ناگهانی روند حبابی سرمایه گذاری در مسکن است که اداره اقتصاد کلان چین را با ریسک مواجه کرده است.

سازمان آمار چین رشد ۹/۱ درصد فعلی (۲۰۰۳) را در مقایسه با متوسط رشد ۹/۴ درصد در ۲۰ ساله گذشته را قابل اداره توصیف و روند دوآتشه اقتصاد چین را تکذیب می کند که دلایل آن قانع کننده نیست، که اگر دولت چین متوسل به ابزارهای کنترل کننده نگردد امکان نوسانات شدید اقتصادی در چین دور از انتظار نیست.

در میان سه عامل فوق، اهمیت افزایش سرسام آور تسهیلات بانکی از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا که به میالغی از وامهای سوخته کلان شده منجر خواهد گردید و اقتصاد

اخیراً به توصیه مقامات پولی به چهاربانک عمده بازرگانی چین که عرضه کنندگان عمده تسهیلات محسوب می شوند اخطار گردیده است که میزان سهم وامهای سوخته را از ۲۶ درصد در اواخر سال گذشته به ۱۵ درصد در پایان سال ۲۰۰۵ تقلیل دهند. ولی مسئله عمده گسترش کلی تسهیلات است که به وامهای سوخته جدید منجر گردیده و نظام بانکی را با بحران مواجه خواهد ساخت.

در شرایط فعلی، بانکهای چین برخلاف اغلب کشورهای شرق آسیا به شدت در کنترل دولت بوده و به طور محدود به روی جهان پولی باز است. ولی قرار بر این است که از سال ۲۰۰۷ (یک سال پیش از المپیک پکن) ممنوعیت بانکهای خارجی در مورد مشارکت در معاملات یوان برداشته شود. لذا با توجه به تجربه و مهارت بانکهای خارجی بویژه بانکهای آمریکایی و اروپایی که مجرب ترین بانکداران جهان از نظر فناوری و مدیریت امور بانکی محسوب می گردند، بانکهای چین با رویدادی بیش از تجربه و ظرفیتهای مدیریتی خود مواجه خواهند گردید.

شووک «ناکین اریکسون» از این جهت گویاست. پس از عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، شعبه سیتی بانک آمریکا در شانگهای اجازه معاملات ارزی در سراسر چین را برای اولین بار به عنوان بانک خارجی در سال ۲۰۰۳ کسب کرد. پس از آن بزرگترین شرکت خارجی مستقر در شهر ناکین به نام «ناکین اریکسون» بلافاصله بانک اصلی خود را از بانک چینی به سیتی بانک منتقل کرد. از آنجایی که مزیت دادن تسهیلات و دادوستد باشرکتهای خارجی مستقر در چین یکی از منابع درآمدی مهم بانکهای چینی محسوب می گردید، تغییر بانک اصلی شرکت «ناکین اریکسون» از بانک چینی به بانک آمریکایی به عنوان از دست دادن یکی از منابع درآمدی موسسات پولی چین محسوب می گردد که از این جهت از آن به عنوان شوک ناکین اریکسون در محافل بانکی چین یاد می شود.

در مقایسه با بانکهای چینی، خدمات بانکی موسسات خارجی به مراتب مطلوبتر و حقوق کارمندان آن بسین ۵ تا شش برابر کارمندان بانکهای چینی است. لذا با انتقال کارکنان ورزیده و متخصص چینی به بانکهای خارجی

مستقر در چین ضریب ریسک موسسات بانکی چین افزایش یافته است. لذا تا اصلاحات اساسی در موسسات بانکی چین و استواری آن بر اساس پیشرفته تری اصول بانکداری و دوری از روابط خصوصی و فردی، ریسک نظام بانکی نظیر دیگر کشورهای شرق آسیا چون تایلند در سال ۱۹۹۷ به شدت نظام بانکی چین را تهدید می کند.

افزایش بیش از یک درصدی نرخ بهره در آمریکا از دیگر مسائلی است که اقتصاد چین را تحت الشعاع قرار خواهد داد و به تغییر جهت سرمایه های خارجی منجر خواهد گردید. ولی آمار مربوط به افزایش فرصتهای اشتغالی در آمریکا به میزان ۲۵۰ هزار نفر در ماه مه ۲۰۰۴ و افزایش مزدها تنها منجر به افزایش نرخ بهره در حد ۰/۲۵ گردید.

اقدامات دولت چین برای کنترل اقتصاد کلان

انتظار افزایش نرخ بهره: دولت چین برای مقابله با بحران آتی به ابزارهای پولی و مالی متوسل گردیده است. کنترل بر سرمایه گذاری های ثابت و محدودیت عرضه تسهیلات بانکی از آن جمله است. انتشار اوراق کوتاه مدت به منظور جذب مازاد پول بانکهای بازرگانی، افزایش میزان مانده سپرده بانکها، انحلال و ادغام مناطق ویژه اقتصادی، کنترل بر عرضه تسهیلات مستغلاتی، و تزریق مبلغ هنگفتی از پولهای عمومی به چهار بانک دولتی بازرگانی این کشور از آن جمله اند. چین از سال ۱۹۹۸ برای تحریک اقتصادی چهار بار به کاهش بهره بانکی مبادرت کرد، ولی اخیراً نرخ آن را افزایش داد.

بانک مرکزی چین بهره را از اواخر ماه مارس ۲۰۰۴ به میزان ۰/۶۳٪ افزایش و آن را به ۳/۳٪ درصد (مدت دار ۲۰ روزه)، ۳/۶٪ درصد (مدت دار سه ماهه)، ۳/۷۸٪ درصد (مدت دار شش ماهه) و ۳/۸٪ درصد (یکساله) افزایش داد. ولی بانک مرکزی چین ناگزیر گردیده که برای بار دوم به افزایش نرخ بهره تسهیلات بانکی بپردازد. روزنامه SOUTH CHINA MORNING در شماره ۳۰ آوریل (۲۰۰۴) خود خبر داد که از اواسط ماه مه (۲۰۰۴) بانک مرکزی چین مجدداً نرخ بهره تسهیلات و سپرده های بانکی را افزایش خواهد داد.

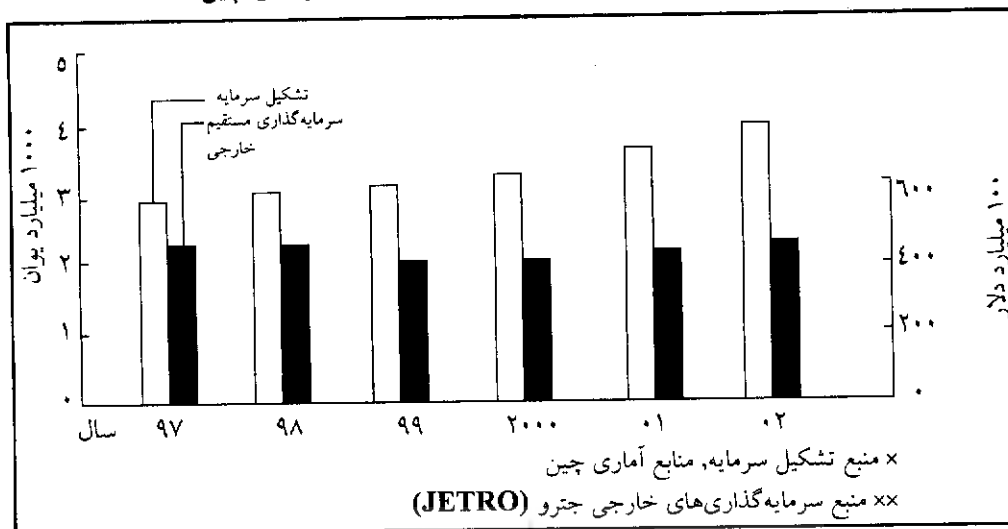
ولی در اواخر این ماه اثری از افزایش نرخ بهره ملاحظه نگردید، و رئیس بانک مرکزی چین در کنفرانس پولی بسین الملی ۱۹ ماه مه اعلام کرد که روند سرمایه گذاری در اموال غیرمنقول روبه کاهش گذاشته است، لذا نیاز به تأمل بیشتری است. همچنین معاون بانک مرکزی چین در دهمین «سمپوزیوم اقتصاد چین و ژاپن» که در اول ژوئیه ۲۰۰۴ در توکیو برگزار گردید اعلام کرد که در حد نرخ رشدی معادل ۸ الی ۹ درصد نیازی به افزایش نرخ بهره نیست، مگر آنکه اقتصاد چین به رشدی بیشتر از آن نزدیک گردد. (نیهون کیزای عصر ۲۰۰۴/۶/۱) و همان طور که قبلاً یادآوری گردید پیش بینی افزایش مجدد نرخ بهره در آمریکا، چین را به تأمل واداشته است.

کنترل و نظارت بر بانکهای خارجی و تسهیلات ارزی: دولت چین همچنین کنترل و نظارت بر بانکهای خارجی در این کشور و حساب ارزی بنگاهها را از تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۴ تشدید کرده است. بدین معنی که محدودیتهایی را بر تأمین احتیاجات ارزی بانکهای خارجی از بانک مادر در خارج و بین بانکی و یا استفاده بنگاهها از حساب ارزی را اعمال کرده است.^(۱) زیرا شایعه افزایش ارزش یوان و یا نرخ بهره در این کشور موجب نقل و انتقالات ارزی بدین کشور به هدفهای سوداگری گردیده است. لذا دولت چین مصمم است از طریق کنترل و نظارت بر افزایش حجم پول به مقابله روند دوآتشه اوضاع اقتصادی این کشور بپردازد.

در مورد نظارت بر بانکهای خارجی دولت مقرر کرده است: (۱) هر سال تا ماه فوریه بانکهای خارجی موظف اند که نیازهای ارزی کوتاه و بلندمدت خود را به کمیته اصلاحات توسعه ملی و اداره کنترل ارز این کشور اعلام کنند؛ (۲) این کمیته و اداره براساس نیاز واقعی و درجه اطمینان موسسات دریافت کننده تسهیلات به تعیین مقداری تسهیلات ارزی بنگاه مزبور در سال موردنظر می پردازند؛ (۳) تسهیلات ارزی که بیش از میزان برآورد کمیته و اداره مزبور از طرف بانک در اختیار موسسات قرار گیرد مورد موافقت قرار نخواهد گرفت.

علاوه بر آن، اداره کنترل بر ارز، نظارت بر مقدار تسعیر ارز و بدهیهای حاصل از انتشار اوراق مشارکت ارزی در بنگاهها را تشدید کرد که از اول ژوئیه ۲۰۰۴ به مرحله عمل درآمده

نمودار شماره ۲- روند سرمایه‌گذاری در تاسیسات تولیدی چین



شدت محدود و عمدتاً در جهت تسهیل فعالیتهای تولیدی بنگاههای خارجی محدود گردیده است. □

پی نوشتها:

۱- اقتصاددان ارشد سازمان آمار چین در لوز ۲۰۰۴/۷/۲۴ از شک و تردیدی که نسبت به تصحیح آمار یکسال پیش در محافل جهانی ابراز گردید عذر خواست و خود را مسئول آن معرفی و اعلام داشت روش جمع بندی تولید ناخالص داخلی (GDP) چین علمی نبوده است.

۲- محاسبات جدید بانک جهانی از تولید ناخالص داخلی کشورهای BRICs (برزیل، روسیه، هند و چین) بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) (نه نرخ ارز) حاکی از آن است که تولید ناخالص واقعی چین دو برابر ژاپن است. بدین ترتیب به دومین اقتصاد جهان بعد از آمریکا مبدل گردیده است. و هند که فعلاً با همین شاخص در مرتبه چهارم پس از ژاپن قرار دارد پس از ۵ سال از ژاپن پیشی خواهد گرفت.

۳- چین به خاطر اتخاذ سیاستهای توسعه صنعتی و مقابله با شیوه های استثماری صادرات مواد خام برای کالای تمام شده کشورهای خارجی در اوائل دهه ۱۹۸۰، از سال ۱۹۹۳ از صادرکننده نفت خام به واردکننده آن تبدیل و بخشی از احتیاجات خود را از ایران تأمین می کند.

۴- کمیته نظارت و کنترل بر بانکهای چین اخیراً اعلام کرد که میزان وامهای سوخته ۴ بانک تجاری دولتی در پایان ژوئیه ۲۰۰۴ بسط ۱۵/۹ درصد کل تسهیلات کاهش و حجم آنها به ۲۱ هزار میلیارد یوان (۱۶ میلیارد یوان) رسیده است. (نیوهون کیزیای ۲۰۰۴/۷/۲۹)

● محمد نقی زاده: استاد اقتصاد دانشگاه تهران

کسب کرده اند اخطار داده است که از سپرده گذاری بلندمدت در بانکها خودداری کنند. زیرا که این دسته از سرمایه های خارجی تنها به هدف سرمایه گذاری مستقیم تولیدی و یا سرمایه گذاری در اوراق سهام وارد شده است و نه به منظور سوداگری و استفاده از نرخ بالای بهره در این کشور. لذا آن دسته از سرمایه گذاران که بخشی از منابع خود را تنها در سپرده ای به مدت خوابانده اند بلافاصله از بازار اوراق بها، از چین اخراج خواهند گردید.

در حال حاضر (ماه مارس ۲۰۰۴) از ۱۹ کشور و منطقه، ۶۲ بانک خارجی در چین مشغول به فعالیت هستند که جمعاً دارای ۱۹۵ شعبه هستند. از این میان تنها ۸۸ شعبه مجوز معاملات پول یوان) این کشور را دارند. علاوه بر اینها ۲۱۳ شعبه بانک خارجی در چین حضور دارند که مجوز معاملات را نداشته و تنها به کار دفتری بانک مادر و احیاناً جمع آوری اطلاعات مشغولند.

دارائیهای بانکهای خارجی در چین بالغ بر ۵۴ میلیارد دلار برآورد گردیده است که تنها ۱/۶ درصد کل دارائیهای موسسات بانکی این کشور را تشکیل می دهند. از طرفی هر بانک خارجی حق دارد که در سال تنها در یک شهر اقدام به گشایش شعبه جدید کند. از این لحاظ می توان گفت که در مقایسه با شبکه گسترده چهار بانک بازرگانی و بانکهای محلی چین و نظارت و کنترل شدید دامنه عملیات بانکهای خارجی به

است. در همین بخشنامه آمده است که موسسات خارجی که مبادرت به ورود بیش از ۲۰۰ هزار دلار ارز خارجی به کشور کنند ناگزیر به ارائه برگه تبدیل ارز به یوان با ذکر هدف و نام درخواست کننده آن هستند. ارز تبدیل شده نه به درخواست کننده که باید مستقیماً به حساب دریافت کننده آن واریز گردد. مبالغ تسعیر کمتر از ۲۰۰ هزار دلار را به یوان را می توان مستقیماً به حساب درخواست کننده واریز کرد با این شرط که صورت حساب و موارد استفاده تسعیر ارز دفعه مقابل شخص درخواست کننده به طور دقیق و وضوح گزارش گردیده باشد.

بدین ترتیب تسعیر ارز به یوان به شدت مورد کنترل قرار می گیرد. این امر ناشی از آن است که مقامات چینی برآنند که از ارزهای خارجی که دارای بهره کمتری هستند و تبدیل آن به یوان که دارای بهره بیشتری است برای بازپرداخت بدهیهای یوانی جلوگیری به عمل آورند. این امر برخلاف شیوه جمهوری اسلامی است. در حالی که بخشی از سرمایه های خارجی (عمدتاً ایرانی در خارج) به علت ثبات نرخ ارز تنها به هدف استفاده از بهره ۱۷ درصد ریالی موسسات بانکی به ایران سرازیر و پس از پایان دوره سپرده گذاری با تبدیل به ارز مجدداً از کشور خارج می گردند.

اداره نظارت بر ارز چین همچنین به سرمایه گزاری های خارجی که مجوز سرمایه گذاری در بازار اوراق بهادار چین را